گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۷۱۰۵
جمعه ۱۷ تیر ۱۴۰۱ ۱۰:۴۲

یادداشتی از مهرداد صدرنفیسی؛

نقدی بر چهار فیلم کوتاه

چهار فیلم منتشر شده در اختتامیه هفته فیلم و عکس شیراز به نقد گذاشته شد.

به گزارش خبر،مهرداد صدرنفیسی در یادداشت ارسالی با موضوع "نقدی بر چهار فیلم کوتاه" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛
دیروز طی اختتامیه هفته فیلم و عکس شیراز چهار اثر ماسک، کپسول، گناه و پیش از بهشت به نمایش درآمد.

اثر اول فیلم کوتاه ماسک به کارگردانی نوا رضوانی بود. فیلمی که آگاهانه مالکیت زن توسط دیگری را نقد می‌کند. فیلم ماسک حق تصمیم گیری زن برای زیبایی های خود را به روشی امروزی تر آمیخته و تا حدودی در انتقال این مفهوم موفق بوده است.
بازیگر نقش اصلی فیلم به خوبی از پس کاراکتری که آگاهانه برای دلخواه دیگری خود را می آراید، بر آمده است. کاراکتر دختر آنقدر خود را ذوب جلب نگاه دوست پسر خود می کند که حتی با در اختیار قرار دادن پول خویش، گویی به او باج می دهد. او هزینه می کند تا در نگاه تنگ او دیده شود.
فیلم دارای ایراداتی نیز است. یکی از این ایرادات ناتوانی کارگردان در بازی گرفتن از بازیگر مرد فیلم است. چرا که کاملا منفعلانه نقش خویش را ایفا می کند. دیگر ایراد وارد بر فیلم استفاده از سکانس ها و یا پلان هایی در فیلم است که شاید با حذف آنان هیچ خدشه ای به محتوای اثر ارائه نشود. به صورت کلی ماسک اثر خوبی است که می شد بهتر به آن پرداخت.

فیلم دوم اثری به نام کپسول با کارگردانی پذیرفته بود. اثری که به خوبی دردهای پسرکی را نشان می دهد که عاشق فوتبال است. در این فیلم کارگردان به خوبی توانسته محتوای مدنظر را منتقل کند.
بازیگران به خوبی توانستند از پس بازی خود برآیند. کاراکتر پدر در فیلم به خوبی خشم خویش را چه در چهره و چه در نوع بازی خود ارائه می کند. همچنین بازیگر زن فیلم به خوبی کاراکتر مادری حمایتگر را ارائه می کند.
اما سوالاتی از قبیل سوالات زیر در ذهن مخاطب شکل می گیرد:
چرا کپسول؟ چرا کاراکتر پدر کپسول ها را در زمین فوتبال خالی می کند؟ چرا اینقدر نویسنده و کارگردان اثر روی سوژه کپسول در فیلم تاکید می کند؟
این ها بخشی از چیزی است که تماشاگر در طول فیلم با آن مواجه می شود و تا پایان صبر می کند، اما برای هیچ یک پاسخی نمی یابد.

فیلم سوم اثری درخور به نام گناه با کارگردانی ابوالفضل عزیزی بود، که به زبان ترکی ساخته شده است.
فیلم برشی کوتاه از مصیبتی را روایت می کند که دو خانواده درگیر، آخرین شب آن را تحمل می کنند. فیلم گناه را می‌توان بهترین اثر بین چهار اثر به نمایش درآمده دانست.
صحنه ابتدایی فیلم هشدار پنچر بودن لاستیک توسط ماشین های دیگر است، که در غروب می گذرد.
صحنه ای که اگر آن را مستقیما به انتهای فیلم متصل کنیم فقط شاهد گذر زمان از غروب به شب و همچنین گریه زن هستیم. گویی احوال کاراکتر همسر مرد مجرم در میان این دو سکانس خلاصه می شود.
با نمایش پنچر بودن لاستیک مخاطب متوجه می شود کاراکتر همسر مرد مجرم راهیِ مسیری است که به سختی به مقصد آن رسیده؛ اما نتیجه ی این رنج مسیر (با توجه به انتهای فیلم که زن درگیر رفع پنچری ماشین است) چندان قابل قبول برای زن نیست.
با کنار هم قرار دادن سکانس ابتدایی فیلم و انتهایی آن در می یابیم راهِ پیمودن برای زن هموار می شود، اما با پایی لنگان. در واقع گشایشی در زندگی فردی اتفاق افتاده که در عین مطبوع بودن؛ اما صفیر روزگاری سخت را برای زن می‌دهد.
در این اثر بازیگران به خوبی از عهده ایفای نقش خود برآمده اند و دوربین به خوبی قصه فیلم را در هرکجا لازم است نگاه می دارد. گاهی با اینکه دیالوگ ها در حیاط می گذرد همچنان دوربین داخل خانه است. چرا که فیلمساز در این لحظات می خواهد تماشاگر با او در خانه بماند.
فیلم دارای پلان هایی بسیار کارآمد است که حتی اگر دیالوگی گفته نمی شد، به خوبی می توانستند بخش عمده ای از محتوا را منتقل کنند. اما نویسنده اثر با استفاده از دیالوگ های ترکی، زیبایی قاب ها را دوچندان کرده است. به عنوان مثال در سکانسی از خانه، دختر شاکی روبروی همسر مرد مجرم نشسته است و در این لحظات همسر مرد مجرم از پشت شیشه در نشان داده می شود. این در حالی است که دختر شاکی را بدون هیچ پرده و مانعی نمایان است. در واقع با این قاب بندی کارگردان سعی داشته ابهام را در صحبت های همسر مرد مجرم نشان دهد.
در آخر قصه کارگردان به خوبی درام شدن قصه را در تضادی عجیب نشان می دهد. در واقع تضاد آنجاست که همسر مرد مجرم جای اینکه از آزادی و بخشش همسر خویش خوشحال باشد، بسیار ناراحت است و گریه می کند، چرا که با این آزادی ناخوشایند فرزندش از دامان او جدا می شود.

اثر چهارمی که به نمایش درآمد انیمشینی با نام پیش از بهشت به کارگرانی امیر حیدریان بود.
اثری که به تاراج رفتن کاشانه و تلاش برای بقا را در قالب نقاشی های به جا مانده از دوران خوشبختی، روی دیوار نمایش می دهد. انیمیشن پیش از بهشت در انتقال مفهوم اصلی خود تا حدود زیادی عقیم می ماند. چرا که تماشاگر تا پیش از پایان قصه شاهد قصه ای دیگر است اما با پایانی نه چندان شکوهمند مواجه می شود. به صورت کلی اگر پایان اثر را در جمع بندی های خود دخیل ندانیم انیمشین پیش از بهشت اثری زیباست.